

پژوهشکده علوم اقتصادی

عنوان نشست: واکاوی چشم‌انداز رکود تورمی در سال ۱۳۹۴

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	پژوهشکده علوم اقتصادی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
مسئول نشست:	دکتر اسفندیار جهانگرد (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۳/۱۲/۱۸
اعضای هیئت علمی:	دکتر عباس شاکری، دکتر محمدقلی یوسفی، دکتر فرشاد مؤمنی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر احمد میدری (معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)؛ کارشناسان دستگاه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اصحاب رسانه
مسئله محوری نشست:	رکود تورمی در سال ۱۳۹۴
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	نهادهای اقتصادی کشور

نگاهی به شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد اقتصاد ایران در وضعیت رکود تورمی به سر می‌برد. نرخ تورم از سال ۱۳۹۰ به بعد افزایش یافته است و رشد اقتصادی نیز در وضعیت وخیمی قرار دارد. ازسوی دیگر، نگاه اکثر مسئولین به اقتصاد، نگاهی «پولی» است. در این طرز تفکر، تورم پدیده‌ای است در سطح کلان که ریشه در نقدینگی و نقدینگی نیز به نوبه خود، معلول رشد پایه پولی است. رشد پایه پولی نیز عمدتاً تحت تأثیر حجم بدهی دولت و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی قرار دارد. در این دیدگاه، بدهی دولت به بانک مرکزی منعکس کننده کسری بودجه است که به نوبه خود، ریشه در ارزان فروختن کالاها و دارایی‌های دولتی دارد؛ بنابراین پیشنهادهایی که طرفداران این دیدگاه برای حل این مسئله می‌دهند، عبارت‌اند از: افزایش نرخ ارز، حذف یارانه‌های انرژی و افزایش قیمت کالاها و خدمات عمومی؛ همچنین بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز معلول مازاد تقاضای تسهیلات است که براساس این دیدگاه با افزایش نرخ بهره مرتفع می‌شود؛ بنابراین چنین دیدگاهی هم مجوز برای «شوک درمانی» می‌دهد، هم بی‌ثباتی قیمت‌های کلیدی را تجویز می‌کند و هم برای برون رفت از رکود تورمی، سیاست‌های پولی و مالی انقباضی اعمال می‌کند تا تورم را کاهش دهد و معتقد است که رکود نیز با نیروهای خود اصلاح از بین خواهد رفت. ازاین رو یکی از علل ماندگاری و تشدید رکود تورمی، همین نگاه‌های غیر صحیح به مسائل اقتصاد ایران است.

برخی از مهم‌ترین مشکلات این دیدگاه عبارت‌اند از:

۱. در اقتصاد ایران که اکثر قیمت‌ها به طور مستمر در حال افزایش است، تغییر چند قیمت کلیدی، سایر قیمت‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ حال آنکه در این دیدگاه، اظهار می‌شود که تورم، در سطح کلان موضوعیت دارد و نه در سطح خرد.
۲. در این دیدگاه، تورم ناشی از فشار هزینه (افزایش نرخ ارز، قیمت حامل‌های انرژی، نرخ بهره، قیمت مواد اولیه و...)، شوک درمانی‌ها، قدرت قیمت‌گذاری دلخواه و تضادهای توزیعی موضوعیت ندارند که خلاف واقعیات مشهود اقتصاد ایران است.
۳. هنگامی می‌توان تورم را صرفاً در افزایش نقدینگی تحلیل کرد که پول کاملاً فعال و

سرعت گردش پول ثابت و تابع تقاضای پول باثبات باشد. اما در اقتصاد ایران، بخشی از پول منفعل است؛ سرعت گردش پول سیال است و تابع تقاضای پول نیز باثبات نیست.

۴. بدهی دولت و کسری بودجه به‌علت قیمت پایین ارز و انرژی نیست و ریشه در وضعیت ناصحیح مالیات‌ستانی و عدم شفافیت بودجه (خصوصاً هزینه‌های دولت) دارد.

۵. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز معلول استفاده‌های سوداگرانه پرسود از نقدینگی از طریق عوامل نامولد و سوداگر است.

از طرف دیگر، ساختار اقتصاد ایران، هم به‌خوبی حکمفرما شدن شرایط رکود تورمی را توضیح و هم نشان می‌دهد که برون‌رفت از این وضعیت، مستلزم نگاه‌های واقع‌بینانه و رعایت شرایط ساختاری است. برخی از مهم‌ترین شرایط ساختاری اقتصاد ایران عبارتند از:

۱. وابستگی تولید به واردات و فقدان سیاست‌گذاری‌های مناسب ارزی؛
 ۲. عدم پویایی و خودتعدیل‌شوندگی فناوری آن‌ها؛
 ۳. عدم دسترسی بنگاه‌های تولیدی به نقدینگی و بالا بودن نرخ بهره؛
 ۴. ضعیف بودن حمایت از تولید، عدم تناسب میان فعالیت‌ها و اندازه بنگاه‌ها و نبود تعامل‌های مکمل میان صنایع مختلف؛
 ۵. فقدان سیاست‌گذاری‌های صحیح تجاری و ضعف تحقیق، توسعه، نوآوری و ابداع در بنگاه‌های صنعتی؛
 ۶. عدم شفافیت بودجه؛
 ۷. گستردگی قاچاق؛
 ۸. افزایش فساد؛
 ۹. غیرشفاف بودن عملکرد نظام بانکی؛
 ۱۰. زمین‌خواری‌های گسترده و تبدیل اراضی کشاورزی به مناطق مسکونی.
- بنابراین می‌توان موارد فوق را به‌مثابه برخی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران برشمرد که سیاست‌گذاری برای خروج از شرایط رکود تورمی بدون مدنظر قرار دادن آن‌ها، نتیجه

رضایت‌بخش و مطلوبی در پی نخواهد داشت.

توصیه‌های سیاستی

۱. بازنگری در اولویت‌بندی تخصیص منابع سرمایه‌گذاری: اولویت سرمایه‌گذاری به صنعت و کشاورزی به جای اولویت سرمایه‌گذاری در بخش‌های بازرگانی، خدمات و مسکن داده شود.
۲. تمرکز بر رفع رکود و ایجاد اشتغال و توجه به اولویت رکود بر تورم در سیاست‌گذاری.
۳. کاهش حجم و دخالت دولت (حکومت) در اقتصاد: تا زمانی که دولت نقش عمده‌ای در اقتصاد دارد و همچنان بزرگ‌تر می‌شود، نه تنها همه هزینه‌های قبلی پابرجاست، بلکه با افزایش هزینه‌ها هم روبه‌رو خواهد شد و باید این ساختار اصلاح شود.
۴. اصلاح ترکیب هزینه‌های دولت: ترکیب هزینه دولت باید اصلاح شود و از طریق استقراض یا افزایش نرخ ارز، جبران کسری بودجه نشود. اصلی‌ترین وظیفه دولت، ایجاد امنیت برای فعالین اقتصادی است؛ این بدان معنی است که خدمات برای مصرف‌کننده باید عرضه شود و رشد اقتصاد در واقع دولتی نباشد.
۵. سیاست داخلی متناسب با سیاست خارجی به کار گرفته شود: دولت برای رفع تحریم‌های غرب، سیاست خارجی خوبی اتخاذ کرده است و لازم است دنبال و تقویت کند؛ زیرا مبتنی بر تعامل با دنیاست و شرط اساسی برای ورود فناوری نیز هست، اما باید توجه داشته باشد که سیاست خارجی خوب، نمی‌تواند جانشینی برای سیاست داخلی خوب شود. رعایت حقوق افراد، نظم و قانون، فراهم کردن زیرساخت‌های اقتصادی، کوچک کردن دولت و کاهش بروکراسی باید در کنار سیاست خارجی فعلی کشور، در داخل کشور اصلاح و به کار گرفته شود. عملکرد موفق احتمالی سیاست خارجی در نهایت، تا دو درصد ایجاد رشد اقتصادی مؤثر است؛ حتی اگر آن را برای کشوری مانند ایران که مبتنی بر نفت است ۳ درصد فرض کنیم؛ باز هم قابل قیاس با تأثیری نیست که سیاست‌های داخلی می‌تواند داشته باشد.
۶. تفکیک ناپذیری مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی: مسائل اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هم تنیده و تفکیک‌ناپذیر هستند و نمی‌توان برای اقتصاد قواعد مستقلی را ترسیم کرد؛ زیرا متغیرهای اقتصادی متأثر از حوزه‌های دیگر نیز هست. در حل مسائلی مانند تورم، هدفمندی یارانه‌ها و بیکاری و غیره به نقش و کارکرد نهادهای اقتصادی در کنار ابزارها نیز باید توجه جدی شود. بدون توجه به کنترل و اصلاح نهادهای، نمی‌توان با کاهش نقدینگی، تورم را کم کرد.

۷. توجه به کاهش هزینه‌ها در رفع مشکل کسری بودجه: در مورد کسری بودجه دولت باید هم هزینه‌ها را کاهش دهد و هم مشکل کسری بودجه را در سال ۱۳۹۴ ریشه‌یابی و حل کند.

۸. عدم حل معضل بیکاری با تکیه صرف بر رشد اقتصادی: بنا بر واقعیات اقتصاد ایران هر یک درصد رشد در بهترین حالت تنها ۲۵ هزار شغل ایجاد می‌کند؛ بنابراین رشد اقتصادی به تنهایی، باعث رفع بیکاری نمی‌شود.

۹. ایجاد رشد اقتصادی با کیفیت: رشد به هر طریقی ممکن است به دست آید، اما اینکه چه اثری بر زندگی مردم، بیکاری و رفاه جامعه دارد، بحثی است که دولت باید توجه داشته باشد. در واقع کیفیت رشد نیز در کنار کمیت حائز اهمیت است. برای مثال برای ایجاد رشد ۶ درصدی در اقتصاد می‌توان همه بخش‌ها را به اندازه ۶ درصد رشد داد یا با توجه به سهم بخش خدمات از کل اقتصاد، می‌توان با رشد ۱۰ درصدی در بخش خدمات و رشد صفر در بخش‌های کشاورزی و صنعت، به همان رشد ۶ درصدی در اقتصاد دست یافت. اما باید دید کدام حالت رفاه جامعه را بیشتر متضمن خواهد بود.

۱۰. توجه به عدم جذابیت محیط تولیدی کشور: در اقتصاد ایران محصول گران تمام می‌شود و گران فروخته می‌شود، اما سهم تولیدکننده در چرخه تولید و توزیع کم است. شرایط به گونه‌ای است که نه صاحب سرمایه، نه کارگر و نه بنگاه راغب به تولید نیستند. در اقتصاد ایران در سال‌های طولانی، سازوکاری فراهم شده که بخش زیادی از تولید ملی به کسانی می‌رسد که هیچ نقشی در توسعه بلندمدت کشور ندارند

و این موضوع باید حل شود.

۱۱. بهبود فضای کسب و کار: حل مشکل فضای کسب و کار، خیلی فراتر از رفع موانع اداری است. مهم‌ترین مشکل در این حوزه، بحث نظام توزیع محصول و حضور بخش غیرمولد در اقتصاد است.

۱۲. اصلاح نظام بانکداری: نظام بانکداری خصوصی فعلی، باعث بی‌ثباتی‌هایی در دارایی‌های حقیقی می‌شود و بنابراین باعث می‌شود که منافع آن عاید کسانی شود که هیچ نقشی در GNP ندارند. در واقع نظام بانکی باید در راستای حل معضلات بخش تولید اصلاح شود.

۱۳. اصلاح سیاست بازرگانی: کشور در تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مشکل دارد و وابسته است و طبیعتاً نیاز به ارز دارد. در کالای نهایی هم به گونه‌ای است که در مثلاً فصل میوه، میوه زیادی وارد می‌شود و باید در امر سیاست‌های بازرگانی اصلاحات صورت پذیرد.

۱۴. رفع موانع طرف عرضه اقتصاد: در کشور، در سال‌های اخیر، رشد نقدینگی فراوان بوده، تورم کاهش یافته اما هر روز کارخانه و بنگاهی در شرف تعطیلی است و تولید داخلی در کشور از منظر اقتصادی نمی‌صرفد؛ بنابراین موانع طرف عرضه باید رفع شود.

۱۵. اصلاحات در ساختار اقتصاد چه در نهادها، چه در سطوح مدیریتی و اجرایی باید پیگیری و اجرا شوند.

۱۶. فساد مانع تولید است: نظام پولی و بانکی کشور در مأیوس کردن بخش نامولد، می‌تواند نقش مثبت یا منفی ایفا کند. اکنون نظام بانکی ما آن‌طور که باید در خدمت تولید و رشد اقتصادی نیست و تمهیدات لازم در راستای کاهش فساد اندیشیده شود.

۱۷. بازگرداندن اعتماد: خارج شدن از رکود تورمی منوط به بازگرداندن اعتماد، به تولیدکنندگان است. چیزی که دولت یازدهم باید توجه خود را به آن معطوف کند، اولویت داشتن شغل بر یارانه است؛ زیرا عایدی شاغلین ۱۵ برابر یارانه خواهد بود.

افزایش هزینه فرصت برای مفت‌خوارگی باید ایجاد شود.

۱۸. جهت‌دهی منابع پولی و مالی به سمت فعالیت‌های مولد: با این شرط که در برنامه‌های افزایش تولید و ارتقای کیفیت و فناوری هزینه شود، کارآمد کردن بازار سرمایه و بورس از طریق ایجاد اطلاعات متقارن و حذف رانت‌های انحصاری، به‌مثابه گامی اساسی برای تأمین نیازهای مالی بخش تولید.

۱۹. اعمال کنترل قیمت نهاده‌های تولید، حذف واسطه‌گری‌های چندلایه در تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، اتخاذ سیاست‌های تجاری مناسب، در جهت حمایت از تولید داخلی و رفع انحصار در واردات نهاده‌ها و جلوگیری از واردات کالاهای رقیب تولید داخل نیز از دیگر اقداماتی است که بخشی از موانع حوزه تولید را مرتفع خواهد کرد.

۲۰. پرهیز از شوک‌درمانی برای تأمین کسری بودجه: فعال‌سازی تعاونی‌های مسکن جهت خارج کردن این بخش از رکود، مهار بخش نامولّد، ایجاد امنیت برای مشاغل خودگردان، با تأکید بر بخش کشاورزی و دامداری و مسدود کردن منافذ رانت و فساد نیز از مهم‌ترین راهکارهایی است که به صورت یک بسته منسجم، باید مدنظر مسئولین و سیاست‌گذاران قرار گیرد.